

دفاع پایان نامه دکتری در گروه

۱) آقای سید غفور علوی دانشجوی دکتری زمین شناسی (گرایش زمین شناسی اقتصادی) تحت عنوان "بررسی کانسارهای اسکارنی حاشیه باتولیت شیورداغ و مقایسه آنها با اسکارن پورفیری سونگون" به راهنمایی آقای دکتر محمدرضا حسین زاده و دکتر محسن موید مطرح و به داوری آقای دکتر محسن موذن به عنوان داور داخلی و آقایان دکتر ایرج رسا (دانشگاه شهیدبهشتی)، دکتر بهزاد حاج علیلو (دانشگاه پیام نور تبریز)، به عنوان داوران مدعو خارج از دانشگاه، راس ساعت ۱۱ مورخ ۱۳/۱۲/۹۲ در سالن کنفرانس دانشکده برگزار و با نمره ۱۹/۵ مورد تایید قرار گرفت.

۲) خانم مریم یزدانی دانشجوی دکتری زمین شناسی (گرایش پترولوژی) تحت عنوان "مطالعه روابط صحرایی پترولوژی سنگهای اذرین مرتبط با کمپلکس افیولیتی در شمال غرب پیرانشهر" به راهنمائی آقای دکتر احمد جهانگیری و مشاورت دکتر موذن و دکتر حاج علی اوغلی و به داوری آقای دکتر محسن موید به عنوان داور داخلی و آقایان دکتر منصور قربانی، دکتر نقره ثیان، به عنوان داوران مدعو خارج از دانشگاه، راس ساعت ۱۱ مورخ ۰۷/۱۱/۹۲ در سالن کنفرانس دانشکده برگزار و با نمره ۱۹/۰۵ مورد تایید قرار گرفت.

۳) خانم رحیمه میکائیلی دانشجوی دکتری زمین شناسی (گرایش پترولوژی) تحت عنوان "پترولوژی سنگهای دگرگونی رسی گشت و ماسال، شمال ایران" به راهنمائی آقای دکتر محسن موذن مطرح و ضمن تعیین خانم دکتر رباب حاج علی اوغلی به عنوان داور داخلی و دو نفر (بسته به تقبل آنها) از آقایان دکتر موسی نقره ثیان (دانشگاه اصفهان)، دکتر محمد ابراهیمی (دانشگاه زنجان)، دکتر مسعود همام (دانشگاه فردوسی) و دکتر عبدالناصر فضل نیا (دانشگاه ارومیه) به عنوان داوران مدعو خارج از دانشگاه

درخواست مجوز دفاع رساله دکتری آب شناسی

مجوز دفاع از پایان نامه آقای مهدی کرد دانشجوی دکتری زمین شناسی (گرایش آبشناسی) تحت عنوان "مدلسازی عددی آبخوان دشت اردبیل و مدیریت آن با استفاده از بهینه سازی برداشت" به راهنمائی آقای دکتر اصغر اصغری مقدم صادر شد.
آقای دکتر امیرحسین ناظمی به عنوان داور داخلی و دو نفر (بسته به تقبل آنها) از آقایان دکتر کامران زینال زاده (دانشگاه محقق اردبیلی)، دکتر دکتر عبقری (دانشگاه ارومیه) و دکتر محسن رضایی (دانشگاه خوارزمی) به عنوان داوران مدعو خارج از دانشگاه معرفی شدند.

صندلی داغ

مهمان نشریه این شماره : جناب آقای دکتر بهزاد زمانی، عضو هیئت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تبریز

لطفا یک بیوگرافی از خودتون بفرمایین

با نام خدا. من متولد تبریز هستم.دوره ابتدایی و راهنمایی رو در

مدرسه شهید دباغی و دبیرستان رو در مدرسه فردوسی تبریز

گذراندم. لیسانس و فوق لیسانس رو در دانشگاه تبریز بودم و

رتبه ۱دوره کارشناسی ارشد بودم. در واقع اولین بورسیه بعد از

دکتر کلجاهی بودم. سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم سال۷۷ لیسانسم

تمام شد. سال ۷۸ فوق لیسانس رو شروع کردم و در سال ۸۰

فارغ التحصیل شدم.بهمن ماه ۸۰دکتری رو شروع کردم و سال۸۱ فارغ التحصیل شدم.بهمن ماه ۸۰دکتری رو شروع کردم و سال۸۱ فارغ التحصیل شدم.در سال ۸۸ فارغ التحصیل شدم.

اگه اجازه بدین بحث رو خودمونی تر کنیم،کی ازدواج کردین و چند فرزند دارین؟

سال ۸۴ ازدواج کردم و یک دختر دارم که امسال کلاس اول میره

از سوابق تحصیلیتون برامون بگین؟

همانطور که گفتم در دوره ارشد و امتحان دکتری نفر اول و در دوره دکتری نفر دوم بودم. درفرصت مطالعاتی دوره دکتری ۶ ماه با مرحوم پروفسور آنژلیه (در فرانسه) کار کردم که علم و اخلاق ایشان برایم یادگار ارزشمندی است.

برامون از سوابق کاریتون بگین؟ من سال ۷۸ شروع به کار کردم، با شرکت مهندسی مشاور مهاب قدس تقریبا تا سال ۹۰ همکاری داشتم البته در طول این سال ها شکل همکاریم برحسب نوع کار و تحصیلاتم وضعیتش فرق کرده.اوایل به عنوان مهندس ناظر کار می کردم (بمدت دوسال) که دکتری قبول شدم و یه وقفه ۳ ساله به خاطر تحصیل تو مقطع دکتری تو دانشگاه شیراز داشتم و بعد دوباره سال ۸۴ من رو دعوت به همکاری کردند و اون موقع شکل همکاریم عوض شد و به عنوان مشاور عالی تا سال ۹۰ باهاشون همکاری داشتم.

از سال ۱۳۸۷ هم که در دانشگاه تبریز شروعبه همکاری کردم.

اولین دوره تدریس شما کی بود؟ من زمانی که دانشجوی دکتری بودم در دانشگاه شیراز دو ترم تدریس کردم که زمین شناسی ساختمانی و تکتونیک و ژئوفیزیک رو شامل می شدو تدریس در دانشگاه شیراز رو از سال ۸۲ شروع کردم که تجربه ارزشمندی برام بود.

تالیف هایی که در زمینه ارشد و دکتری داشتین؟یا فعالیت های علمی،کتاب و مقالات و...؟

بیش از ۲۵مقاله داخلی (فارسی) تا کنون داشتم. اما درمورد مقالات انگلیسی باید بگم یک مقاله سال ۲۰۰۸ در مجله ژئودینامیک با ایمپکت فکتور ۲/۵ با پروفسور آنژلیه چاپ کردم که راجع به بررسی تنش در شمالشرق ایران و کپه داغ کار شده. یک مقاله در سال ۲۰۰۹ درمجله علوم جهان باعنوان یافته های جدیددر مورد سائزموکتونیک ایران مرکزی به چاپ رسوندم و مقاله دیگه ام سال ۲۰۱۱در مجله علوم زمین اروپای مرکزی چاپ شده که وضعیت تنش و مدل سائزموکتونیک طیس را بررسی میکنه. سومین و مهمترین کاری که انجام دادم سال ۲۰۱۴ در مجله تکتونوفیزیک که قوی ترین ژورنال جهان در زمینه تکتونیک و ژئوفیزیک با ایمکت فکتور ۳ است به چاپ رسیده، در مورد تشریح تکتونیک امروزی فلات آذربایجان (ایران) با نتایج بازسازی تنش ها است. در حال حاضر هم رو ۲ تا مقاله انگلیسی دیگه دارم کار می کنم. ۳ کتاب هم دارم که یکی ترجمه است و ۲ تا ی دیگری کتاب تالیفی است.اولی به دلیل اینکه خیلی تخصصی است نتونستم ناشر مناسبی پیدا کنم هنوز منتشر نشده و در رابطه با تنش در پوسته ایران است.کتاب تالیفی دیگر در رابطه با نئوتکتیک است که مراحل چاپش رو داره طی می کنه.

چرا زمین شناسی؟علاقه یا اجبار؟

به زمین شناسی از دبیرستان علاقه داشتم.یادم میاد که معلم بسیار خوبی به نام آقای عدالت داشتیم که بسیار با انرژی تدریس می کردن ودر من تاثیر گذار بود.من در آن زمان به بحث پلیت تکتونیک علاقه زیادی داشتم وبحث جابه جایی نوارهای مغناطیسی میان اقیانوسی برام جالب بود در عالم نوجوانی به یکسری تحقیقات و مطالعه در این مورد فکر می کردم که افکارم رو با معلمم در میان گذاشتم و ایشون منو خیلی علاقمند کرد. در واقع میشه گفت علاقه ام به زمین شناسی از آنجا شکل گرفت.

جایگاه رشته زمین شناسی رو در ایران چطور می بینید؟

اگر معیار ارزیابی رو پول و ثروت قرار بدیم باید بگیم رشته ها برحسب ثروتی که ازشون حاصل میشه طبقه بندی میشن که معیار صحیحی نیست. به نظرمن بیشتر مشکلات جامعه امروز ما از کم اهمیت دانستن رشته های علوم اجتماعی است که جایگاه مناسبی ندارند و نتیجه اینکه بشر امروزی با ناتوانی ها و ناهنجاریهای اجتماعی بسیاری دست به گریبان هست. از طرفی چون رشته های پزشکی با جان آدمی سروکار دارن اهمیت بیشتری پیدا کردند و ثروت زیادی هم با خودشون همراه می یارند وبعد از آنها رشته های فنی و بقیه رشته ها اهمیت پیدا می کنن.اهمیت رشته زمین شناسی هم بسیار بالاست.مثلا حوادثی مانند زلزله و سونامی در عرض چند ثانیه جان آدم هارو می گیره واین به چشم ما نمیاد ولی شاید در کل ایران آمار سالانه مرگ و میر در رابطه باسیگار و بعضی بیماری ها خیلی کمتراز آمارکشته های زمین لرزه باشه.علتش می تونه این باشه که در کشور ما فاصله زلزله های بزرگ زیادن واهمیت زلزله ملموس نیست تا وقتی که اتفاق بیافته و متاسفانه وقتی هم زلزله بشه دیگه کار از کار گذشته. متاسفانه مردم برای

مقاوم سازی خانه ها زیاد اهمیت نمی دن در حالی که برای مسایل درمانی چون ملموس تره اهمیت زیادی قایلند. مساله به این بر می گرده که شاید بخشیش رو (مسایل مربوط به آگاهی در مورد زلزله و مقاوم سازی) ما نتونستیم برای جامعه تعریف کنیم و بخشی را هم مسولین که باید تلاش کنیم جایگاه و شکل خودش رو پیدا کنه.من فکر می کنم اهمیت رشته ما بسیار زیاده ولی آنطور که باید و شاید جایگاه خودش رو پیدا نکرده.اهمیت رشته ما رو میشه با یک آرزو مفهوم بخشید، و آن اینکه " اگر زمین شناسها روزی بتونند لحظه رویداد زلزله رو پیش بینی کنند خیلی فراتر از پزشکان می تونند جان میلیونها نفر رو نجات بدند".

نظرتون در رابطه با گفته های اخیر دکتر(مهدی) علوی چیه؟ این صحبت جدید نیست و صحبتی که دکتر مهدی علوی از سوچور ایران- عربی کرده حدود ۲۰-۳۰ سال گذشته مطرح شده و زمین شناس های مختلفی هم نظرشون رو گفتن. یه عده توی مقالات بحث کردن و عده ای تایید کردن و یه عده دیگه تایید نکردن. برای مثال دکتر محجل خیلی نقادانه در مورد این موضوع در مقاله سال ۲۰۰۰ شون که با دکتر فرگوسن در مجله "زمین شناسی ساختاری" نوشتن، صحبت کردن. به نظر من تایید یا نقد این موضوع ونظرات افراد اگه در قالب یک مقاله صورت بگیره صحیح است و بحث شکل علمی پیدا می کنه. من خیلی از صحبت هاشونو قبول دارم و سوالات زیادی هم وجود داره که به اطلاعات و مطالعات زیادی نیاز داره.

از-خاطرات دوران دانشجوییتون برامون بگین؟

شاید ما زمین شناس ها بیشترین خاطره ای که در ذهنمون میمونه از دوران دانشجویی هست. خاطراتیه که از فیلدها مخصوصا فیلد زمین شناسی ایران داریم.مثلا فیلد زمین شناسی ایران رو به اتفاق دکتر جهانگیری به اصفهان رفتیم که خاطرات خوبی داشتیم از اون فیلد.البته خاطره بدش برای من این بود که من اونجا برائثرغذایی که خوردم مسموم شدم(باخنده).ولی خب دیدن شهرهای جدید،پدیده های زمین شناسی مختلف،سازندهای مختلف برامون خاطره های خوبی بود.دوره دکتری که دانشگاه شیراز بودم متاسفانه شرایطی تو دانشگاه حاکم بود که متاسفانه اونطوری که باید از اون دوران خاطره خوشی داشت،من خاطره خوشی به اون صورت تو ذهنم نمونه.

-ازین که با اساتید خودتون همکاری شدین چه حسی دارین؟

الان شاید بتونم بگم که ۵۰/همکاری فعلی من استادای قبلی من بوده اند و احترام همه اونا برام از همه چیز مهمتره.اون احساسی که اونموقع نسبت بهشون داشتمو سعی میکنم با احساسی که الان دانشجویهای خودم نسبت به من دارن تطبیق بدم؛شاید کار سختی باشه ولی به نظر من تاثیر مثبتی بر رفتار متقابل من و دانشجو داره،من خودم رو در طی ۵سال گذشته که تدریس میکنم هر سال باسال قبل مقایسه میکنم و شکرخدا میبینم که در کارم یک سیر صعودی وجود دارد وارزیابی هایی که دانشگاه انجام میده،خوشبختانه برای من از میانگین دانشگاه و دانشکده هم بیشتر بوده و من راضی هستم از این قضیه. - خودتونم دانشجو بودین ما میخوایم بدونیم از نظرشما داشجوی خوب چه خصوصیاتی داشته باشه؟ شاید هرکسی این نظر رو داشته باشه که مسیری که خودشون اومدن،بهترین مسیره ولی نظر من اینطور نیست و به نظر من اگه بخوایم این مساله رو از تمام ابعاد اعم از اخلاقی و ارزشی و علمی ...و بررسی کنیم،بیشتر به شخصیتهای هرکدوم از دانشجوها وابسته است تا اینکه معیارهای ارزیابی دانشگاه رو ملاک قرار بدیم و به نظر من ما اگه معیارو نمره قرار بدیم شاید غلط ترین روشو اتخاذ کردیم و کنگورهایی که در تمامی مقاطع برگزار میشه میتونم بگم که ملاکی صحیح برای ارزیابی نیست و پیرو همین امر نیز باید از روشهای بیشتر و متنوع تری برای ارزیابی دانشجو استفاده کرد.من خودم در امتحانای پایان ترم که از دانشجوها میگیرم سعی میکنم از هر تیپ سوالی طرح کنم و هم پروژه برای دانشجویان طرح کنم چون بعضی دانشجوها هستن که با کارهای عملی نمره بیشتری میگیرن و رشد بیشتری نیز دارن وبرعکس،بعضی با مسائل تحلیلی و تئوری بیشتر مانوس هستند و در ضمن بعضی نیز از نظر تستی خیلی خوب کار میکنن و به همین دلیل بهتره بگیم برای ارزیابی دانشجو از نظر آموزشی روال کار به این صورت باشه تا جواب نتیجه بهتری نیز به دست بیاید.اما از لحاظ اخلاقی خداروشکر همه دانشجوهای ما دانشجوهای خوش اخلاق و بااخلاقی هستن و هر شخصیتی یک سری ویژگی ها و خصوصیاتی رو از فرهنگ و جامعه ای که درش پرورش یافته رو داره و به مرور زمان وبا ورود دانشجو به دانشگاه و برخورد با افراد مختلف و جو خوابگاه و کلاس و...یک سری

خصوصیات دیگه به شخصیت دانشجو اضافه میشه و بتدریج شخصیت این فرد شکل میگیره و درنتیجه دانشجوی خوب باید مجموعه ای از اخلاق اجتماعی خوب و تحصیل قابل قبول رو باهم داشته باشه. نوع دوستی، مهربانی، خوش برخوردی و احترام و ایمان و از طرفی رشد خلاقیت و نبوغ فکری ازخصوصیات یک دانشجوی خوب هستند.

-بیشتر به چه کتابهایی علاقه دارین؟

چون من قبل از اینکه شخصیتی آموزشی داشته باشم، شخصی هستم که بیشترعلاقه به تحقیق و پژوهش دارم و شغل من ایجاب میکنه که بیشتر مطالعات من سمت و سوی مربوط به پژوهش داشته باشه. من زمانی که با شرکت مهاب قدس کار میکردم زمینه کاری من به نحوی بود که با گسلها بیشتر ارتباط داشتم به همین دلیل بیشتر علاقه و پژوهش و تحقیقم به سمت این موضوع معطوف شده و همین الان هم بیشتر روی مساله گسلها و مخاطرات زلزله تحقیق ومطالعه میکنم ودر چند سال گذشته بررسی مخاطرات گسل تبریز رو در صدر برنامه های پژوهشیم قرار دادم. خارج ازبحث درسی من بیشتر به کتابهای روانشناسی موفقیت علاقه دارم و همین الانم یکی از کتابام اینجاست،کتابی که آنتونی رابینز نوشته (توان بی پایان) با اینکه این کتاب رو ۱۰سال پیش خریدم ولی از بس مطالب خوبی داره هرچند وقت یه بار سعی میکنم یه نگاهی بهش بندازم چون انگیزه و انرژی زیادی به من میده.و به همین دلیل بیشتر به این کتابا،مخصوصا کتابایی که راجع به موفقیت نوشته شده اند علاقه دارم.

-ورزشهای مورد علاقتون که انجامشون میدین یا فقط علاقه دارین؟

درمرتبه اول فوتباله من خیلی فوتبالو دوس دارم و دوسال پیپی هستش که بین اساتید دانشگاه تبریز، دانشکده ما مقام قهرمانی رو کسب میکنه که افتخاری برای مادر، مراحل بعدی تنیس و شنا.

-به موسیقی و هنر علاقه ای دارین؟

من نقاشی میکشم و تابلوهایی با رنگ روغن کار کردم و متاسفانه به خاطر اینکه فراغت کمی داشتم تاحالا چهار الی پنج تابلو کشیدم ولی این کارو خیلی دوست دارم چون خیلی آرامش بخشه. شعر نوشتن و خواندن و نثر نویسی هم خیلی علاقه دارم و در اوقات فراغت می نویسم. در مورد موسیقی، به پیانو و صدای ملایم آن خیلی علاقه دارم.

-تعریف شما از بهترین دوست چیه؟

بهترین دوست کسیه که توی سختی ها پیش آدم باشه. -روزای تعطیل بیشتر چه کارایی انجام میدین؟ من روزای تعطیلو همیشه با خونواده هستم و معمولا بصورت گردش در طبیعت دوست دارم سپری بشه و اگه شرایط جوی اجازه بده به اتفاق خانواده از طبیعت و کوه بهره می بریم.

-تو کارا به همسرتون کمک میکنین؟ بله -مثلا ظرف میشورین؟

نه دیگه...ظرف نمیشورم (با خنده) چون ماشین ظرفشویی می شوره (باخنده).

-چند تا از خصوصیات اخلاقیتون که همه شما رو با اونا میشناسن رو میتونین بگین؟

اینو باید از بقیه ببرسین -خودتون چی فکر میکنین؟

فکر کنم منو یه آدم آرام و سازگاری بشناسن -چند تا کلمه هست که پس از شنیدنش باید اولین جمله ای که به ذهنتون میرشه رو به ما بگین. پایان نامه:سخت کار کردن شیفت:معنیش چیه؟وقتی بچه ها ازم میخان من اینوبهشون میگم(با خنده) دانشگاه تبریز:مهمد آرمانهای ما دانشجو:دوست استاد زندگی:شعله شمعی که به نسیم مژه برهم زدنی خاموش است،اینو از یکی از دوستانم به یادگار دارم. خدا: همه چیز حقوق پایان ماه:لازمه زندگی(با خنده) تکتونیک:آرزویی که بهش رسیدم استریونت: حلال مشکلات تکتونیسین ها ورودیای۸۹: دانشجوهای آرام و درسخون تراختور: آمال و آرزوهای آدریایجانی ها -تو دنیا بیشتر از چی میترسی؟ از خدا -بزرگترین خواسته زندگیتون؟ برآورده شدن یکی ار آرزوهام که دکتری رو فقط بخاطر اون خوندم. اونم پیش بینی خطرات و حرکات گسل تبریز بود که اونموقع شاید بیشتر اطلاعات ناکافی و نوجوانی این آرزو رو شکل داد. آرزوم اینه که بچه هایی که اینجا درس میخونن ما بتونیم به سمتی هدایتشون کنیم که هم از نظر ادامه تحصیل و هم از نظر زندگی موفق باشن.یعنی فقط هدفمون آموزش نباشه،ای کاش بتونیم توی زندگی آیندشونم تاثیر مثبت داشته باشیم.

-حرف پایانیتون؟

تشکر میکنم ازتون و ایشالا که همیشه موفق و پیروز باشید

- خیلی ممنونیم که وقت با ارزشتونو در اختیار ما قرار دادین. خواهش میکنم